

رفته و مخفی شده مرتکب میگردند در هر صورت کلیه این اوصاف را مشروحاً باید در نشان نامه ها نوشت رعایت این اصول و قواعد مخصوصاً از طرف دوائر کشف اسرار و کشف احوال مرتکبین قواء شهربانی را خوب واقف بعادات محیط خود میسازد زحمتهای تحقیق را میکاهد فرصت های فرار مرتکبین را میگیرد محو آثار جرم را مانع میشود نتیجه کشف جرم را زود متجلی میسازد قضاة محاکم با تطبیق آثار محکومین سابق و لاحق اثر تکرار جرم را بسهولت در تصمیمات خود دخالت میدهند ولی شرطش اینست محکمه که اثر تکرار جرم را دوباره مرتکب اجراء میکند همان محکمه که قبلاً او را محکوم نموده است باشد زیرا آشنا و مسلط تر بروحیات و تنبیه و تأدیب و تأثیر مجازات در محکوم است.

رضا لطفی - بازپرس تهران

کردن جنازه یا کشتن و فرار بدون اینکه تصرفاتی در جنازه بنماید میباشد آلتی را که بدان مرتکب عمل خویش گردیده مقایسه می بینیم یا کارداست یا هفت تیر یا ضربه های وارده بر نقاط حساس بدن مثل فم معده و محل صدغین که بیهوشی و مرگ آتی تولید میکند - یادداشت عاداتهای مرتکب در این نشان نامه ها خیلی قیمت دارد. مستنطق را زود واقف باسرار مرتکب میسازد مثلاً عادت سارقی را می بینیم فقط جیب بری یا فقط شبروی و دزدبهای شبانه است یعنی هرگز روز مرتکب عملی نمیشود ضمن عادت می بینیم بعضی عادت بنکستن قفل درب ورود دارند برخی ابدأ قفل نمی شکنند عملشان بالا رفتن از حرز و دیوار است بعضی عادت به نقب کنی دارند برخی مرتکب هیچ يك از این افعال که منشاء آثارشان در محیط جرم میگردد نمیشوند و عملشان ترصد و کمین است یعنی فرصتی را منتظرند که پس از بازبودن درب درون مسکنی

دنباله شماره ۱۳ سال سوم

چرا و چگونه باید شروع بجزا را مجازات نمود؟

(طرح مسئله در حقوق مقایسه)

در حقوق قدیم فرانسه بدیده نویسندگان آن عهد بنگریم می بینیم که آنان اعمال بزهارا فقط از نقطه نظر مادی و خارجی تحت مطالعه قرار داده و تشخیص ذیل را قائل میشدند.

بکرشته اعمالی را که با اسم *Comatus romiztus* می نامیدند آهائی بودند که عملاً و مادناً با قصد بزه فاصله زیادی داشته و ارتکاب آنها مقدماتی بیش محسوب نمی شده و چون مرتکب آن خیلی دور از نیل بمقصود سوء خود بوده بالنتیجه از مجازات معاف میشده است.

برعکس دسته دیگر از اعمال که با اسم *Cofnotusp roximus* شناخته میشده اعمالی بودند که در جوار مقصود سوء واقع و ارتکاب آنان مادناً در خارج مشرف و متصل بعملی شدن قصد بزه بوده است - بعبارت اخری از ارتکاب این دسته دوم کاملاً روشن میشده که مرتکب دست بجنایت زد و بین این اعمال

در شماره ۱۱۰ مسلسل این مجموعه قسمت دوم این مقاله را تشریح و بعد از ذکر عناصر سه گانه قانونی شروع به بزه و پس از بیان قسمتی از شرط اول تحقق آن: (شروع باجرا) رشته سخن ما را بدانجائی کشانید که گفتیم: - «... ولی متأسفانه در عمل تشخیص بین این دو چیز (اعمال مقدماتی و شروع باجرا) کار آسانی نبوده و در بنخصوص علماء حقوق جزا عقاید مختلفه اظهار نموده اند - ما عقاید مزبور را بطور اجمال تشریح و رویه دادگاههای کشور ایران و فرانسه را در این قسمت مورد مذاقه قرار خواهیم داد»

راجع بتشخیص حقوقی اعمال مقدماتی و شروع باجرا عمده عقاید اهل فن بشرح ذیل میباشد:

ا - عقاید نویسندگان قدیم حقوق جزا
اگر از دریچه حقوق جزاء روم قدیم در حقوق قدیم

و تحقق خارجی آثار قصد بزه فاصله بسیار کم بوده و یا بهمدیگر متصل میباشند - مرتکبین این اعمال بشدت مجازات و فاعلین دسته اول فقط در مورد جرائم شقیانه *Les crimes atroces* مجازات میشده اند

این نظریه که صد در صد مادی می باشد - (*La rhèseo bjective*) زیاد روشن و جامع نمیباشد چه آنکه تشخیص بین اعمال بعهدده قاضی محول شده و از اینرو راه افراط و اشتباهات قضائی کاملاً باز میباشند .

۲ - نظریه آقای غارو (Mr GARRAUD)

این عالم بزرگ روحیه بزهکار را در درجه اول اهمیت قرار داده از یکطرف بزه منظوره او را دیده و از طرف دیگر اعمالی که در خارج ارتکاب شده است تحت مذاقه قرار میدهد اگر رابطه موجوده بین این اعمال و مقصود سوء متهم غیر مستقیم است (از نقطه نظر شخص متهم و نقشه مشارالیه برای ارتکاب بزه) این اعمال مقدماتی بیش نبوده و غیر قابل تعقیب جزائی میباشد - بر عکس اگر رابطه موجوده بین این دو عنصر مستقیم و بلا واسطه باشد اعمال ارتکابی شروع باجرا محسوب و باید مجازات شود از دقت در این عقیده واضح می شود که همان ایراد بر عقیده اول تقریباً در اینجا نیز صادق بوده و تشخیص مستقیم یا غیر مستقیم بودن رابطه بین اعمال و نیات کارآسانی نبوده و هم اشتباهات قضائی همچنان می رود خاصه آنکه باید نسبت بهر مورد و هر بزهکار نظریه علیحدّه اتخاذ شود .

۳ - رویه تعریف قانونی

عده از علماء قائل شده اند بر اینکه اگر اعمال ارتکابی داخل در تعریف قانونی بزه باشد شروع باجرا محقق و الا آن اعمال مقدماتی محسوب خواهند شد .

برای توضیح مطلب باید گفت که قانون جزا از هر جرمی تعریفی کرده (نه همیشه و همه جا) و برای تحقق خارجی آن جرم شرائطی قانوناً قائل شده است پس اگر یکی از شرائط و عناصر پیش بینی شده موجود نباشد جرم بمعنی قانونی واقع نشده و بان عنوان مجازات نخواهد شد .

مثلاً برای تحقق خارجی سرقت باید مرتکب با قصد سوء اثبات ید بر مال غیر بکند (در تعریف سرقت عقاید مختلفه اظهار و این تعریف اگر چه مدعی کمال نیست برای روشن شدن مطلب اظهار و مقصود ما بحث در تعریف حقوقی سرقت نمیباشد) ازینرو وقتی سرقت محقق میشود که کسی دزمال منقول غیر با قصد سوء اثبات ید بکند - حال برای اینکه بفهمیم عملی شروع باجرا و قابل مجازات و یا عمل مقدماتی است باید دید آیا این عمل یکی از عناصر و شرائط قانونی بزه منظوره را تشکیل میدهد و در آن داخل است یا نیست ؟ مثلاً در مورد کسیکه گاو صندوقی را شکسته و دست در روی جواهرات صاحب خانه دارد و در آن حال دستگیر شده و منظورش عملی نشده است شروع بسرقت کاملاً محقق و غیر قابل انکار است بر عکس اگر آن شخص فقط موفق بشکستن درب صندوق شده و هنوز دست بر جواهرات نبرده باشد و دستگیر شود نمیتوان بر طبق این عقیده قائل بر تحقق شروع بسرقت شد و این کار مقدماتی محسوب خواهد شد .

این عقیده اگر چه بسیار روشن و حدودش معین و راه اشتباهات را تا اندازه مسدود میدارد عیب عمده دارد و آن این است که دامنه قانونی و عملی شروع بزه را بیش از حد تحدید و منافع جامعه را کاملاً فدای راه فلسفه نموده و بسیاری از جنایتکاران را براینکان از پنجه مجازات می رهاند این معنی کاملاً از مثالی که در بالا زدیم روشن است - آیا چگونه می شود که سارق سرسختی را که شبانه وارد منزل غیر شد و با ادوات مخصوصه مشغول شکستن صندوق صاحب آن می باشد و کاملاً روشن است که برای سرقت وارد آنجا شده است بعنوان اینکه هنوز دست بجواهرات یا پول نبرده و یا آنهارا پیدا نکرده است بعنوان شروع بسرقت مجازات نکرد ؟ آیا منظور سوء مشارالیه کاملاً واضح نیست و یا اینکه خطرات اجتماعی این عمل کافی بنظر نمیرسد ؟ این است که طرفداران این رویه در فکر توسعه دامنه تعریف خود افتاده و در بعضی موارد شرائط مشدده مجازات را نیز جزو تعریف جرم محسوب داشته و عمل مرتکب را اگر چه داخل در تعریف

بطور روشن و واضح بی قصد ثابت ولا بتغییر او بارتکاب جرم منظوره برد این عملیات اجرائی محسوب و اگر برعکس نتوان از مشاهده آن اعمال چنین حکمی را کرد آن اعمال مقدماتی محسوب خواهند شد .

بمبارزه اخیری در این رویه باید فاصله اخلاقی بین فعل خارجی و منظور فاعل آنرا در نظر گرفت اگر این فاصله بانداره کم و تصمیم متهم کاملاً قطعی بنظر میرسد و می توان گفت که ظاهراً و با اوضاع و احوال فعلی قضیه متنازک از راه جرم و عملی کردن نقشه خود بر نمیگردد باید حکم بر احرار تحقق عملیات اجرائی کرد .

این رویه اگرچه نمیتواند مدعی کمال بوده و دوران دستبرد تنقید باشد نزدیکتر ثواب و مخصوصاً موافق رویه قضائی دادگاههای فرانسه میباشد .

در اینجا قارئین محترم را بمرامه رأی مورخه ۳ ژانویه ۱۹۱۳ شعبه جزائی دیوان کشور فرانسه مجموعه دالوز ۱۹۱۴ قسمت اول صفحه ۴۱ دعوت مینمائیم .

کاریکه موضوع این رأی بوده و ذیلاً بیان میشود در محیط دادگستری فرانسه و در زبان اهل محل بکار « تحویلدار مغازه بزرك » و با کار « فوبورسنت هونوره » معروف است روزی از روزهای تابستان ۱۹۱۲ مسیحی موقعیکه فضای پاریس شروع بگرم شدن نموده و شهریر جنجال کنار سن هیجان غربی بخود میگرفت و شهرنشینان خود را برای استقبال از تعطیلات تابستان آماده مینمودند رئیس آگاهی پاریس مطلع میشود که دونفر جانی معروف الکساندر پروست و هیپولیت کولون خود را آماده کشتن تحویلدار یکی از مغازه های بزرك پاریس که روز معینی در آیارتمان شماره ۱۲۹ فوبورسنت هونوره برای دریافت وجه هنگفتی حاضر خواهد شد نموده و تمام وسائل کار را فراهم آورده اند - بلافاصله تحویلدار نامبرده احضار و مراتب بمشارالیه کوشزد و نیز گفته شد که « بگذار دونفر جانی بتو حمله کرده و دست بروی تو بکنند » چه آنکه پلیس در نزدیکی مخفی شده و در موقع لزوم خود را بتو خواهد رسانید - در جواب تحویلدار

خود جرم نبوده ولی منطبق با تعریف قانونی یکی از شرایط شده آن از قبیل بالارفتن از دیوار و یا شکستن حرز باشد نتوان شروع بیزه قابل مجازات میدانند .

ولی متأسفانه این نظریه نقصان اولیه را کاملاً بر طرف نگرد و علماء دسته دیگر را تا کنیز از اظهار عقیده دیگر کرده است .

۴ - نظریه تشخیص ابهام یا عدم ابهام

طرفداران این نظریه اعمال و افعال خارجی متهم را در نظر گرفته و آنها را از نقطه نظر ابهام یا عدم آن تجزیه می کنند بدین معنی که اگر بشود از عملیات انجام شده بطور روشن بدون ابهام بی بنوع جرم منظوره و مقصود سوء فاعل آن برد آن عملیات شروع با اجرا محسوب و قابل مجازات می باشد - برعکس اگر عمل ارتكابی مبهم و ذوالوجوه باشد و نتوان بطور قطع گفت که برای چه جرم و کدام منظوری واقع شده است آن عمل مقدماتی محسوب خواهد شد .

این نظریه نیز روشن و قانع کننده نبوده و غالباً ممکن است که دادرس را در سنگلاخ تشخیص گرفتار نماید بعلاوه اصل حفظ منافع اجتماع را بشدت جریحه دار می سازد ، مثلاً در مورد بدکاری که وارد منزل غیر شده و کار صندوقی را شکسته است قصد سرقت کاملاً روشن و نمیشود از نقطه نظر قضائی در اجرائی بودن این عمل تردیدی کرد و ای مطابق رویه فوق این اقدام بخودی خود مبهم بوده و باید جزو اعمال مقدماتی محسوب شود چه آنکه شکستن درب گاو- صندوق را میتوان برای سرقت محتویات آن و یا برای کشف اسرار غیر تعبیر نمود .

۵ - رویه « فاصله اخلاقی »

طرفداران این رویه برای تشخیص عملیات اجرائی از عملیات مقدماتی فاصله اخلاقی بین آن اعمال و قصد متهم را در نظر میگیرند - اینجاست که معرفت النفس جزائی داخل در کار شده و بروشنی اصول آن میتوان کره از مشکل کشود - برطبق این نظریه پنجم اگر از اعمال مجرم بتوان

جبون دوچرخه سوار بلا درنگ اظهار داشت آیا ممکن نیست که آنها را قبل از حمله بمن توقیف نمایند؟
رئیس آگاهی - چرا ولی در اینصورت نمیشود آنها را بعنوان شروع بقتل مجازات نمود و اقدام آنها مقدماتی محسوب خواهد شد.

در هر صورت منظور تحویلدار رعایت و رزق مزبور دونفر جانی در حال کمین در قسمت تاریک پلکان عمارت ۱۲۹ توقیف و در تحقیقات معلوم شد که مشار الیهما با خود یک عدد چکش، یک چاقوی بلند، یک رولور و یک انبر و چند کلید داشته اند.

دادستان آنها را بعنوان شروع بسرقت جنائی (متهمین دونفر و با اسلحه بوده اند) تعقیب و دیوان کشور این نظریه را خاتمه نأیید نمود - آیا نمیشد با آنکه این اشخاص حامل سلاح و آگاهی قبلاً باخبر از نقشه آنان بوده آنها را بعنوان شروع بقتل تعقیب نمود؟ دیوان کشور عقیده منفی اظهار کرده خلاصه اینکه، فاصله اخلاقی بین عمل کمین کردن در پله عمارت با آنکه کمین کنندنده حامل سلاح بوده است و کشتن طرف بیشتر از فاصله ایست که بین این عمل و بریدن زنجیر صندوق چرمی تحویلدار و شکستن قفل و بردن محتویات آن موجود میباشد - بعبارة اخری از این اقدام دونفر دزد کاملاً معلوم میشود که مشار الیهما تصمیم قطعی و غیر قابل فسخی برای دزدی پول تحویلدار اتخاذ و تصمیم آنها بکشتن مشار الیه با آنکه گرفتن پولش بدون قتل نفس میسر بوده چندان مستقیم و غیر قابل فسخ بنظر نمیرسیده است.

تعجب در این است که دیوان کشور مانیز تقریباً همین رویه را اتخاذ و بطوریکه منقول است در موردی چنین اظهار عقیده کرده است: «هر زمان که اعمال مجرم رابطه مستقیم و بلافاصله با خود جرم داشته و شخص اقدام بعملیاتی کرده که عدول از آن ممکن نباشد عملیات مزبور را بمنزله شروع میدانند» در تعقیب همین نظریه است که دیوان کشور فراسه درباره «بالا رفتن از دیوار» و «شکستن حرز» تصمیم ذیل را اتخاذ

نموده است:

« . . . که تکیه دادن نردبان بدیوار برای بالا رفتن از آن اگر بعداً معلوم شود که مقصود مجرم سرقت بوده است عملیات اجرائی محسوب و برعکس اگر معلوم شود که منظور از بالا رفتن شبانه از دیوار و دخول در خانه قبل صاحب خانه بوده است این عملیات مقدماتی محسوب خواهد شد »

این بود خلاصه عقایدیکه درباره اولین شرط شروع بیزه یعنی «شروع باجرا» مذکور افتاده است حال بیجاست که بطور اختصار بتشریح دو شرط دیگر آن بپردازیم:

۱۲ - عدم فسخ تصمیم ارادی از طرف فاعل

تقریباً در تمام قوانینی که شروع بیزه را قابل مجازات دانسته اند شرط دوم تحقق آنرا عدم توقف ارادی مرتکب شناخته اند. پس کافی نیست که مرتکب مصمم بارتکاب بزه شروع باجرا کرده و مقصودش در خارج عملی نشود بلکه باید عدم نیل به مقصود جنائی مربوط باراده خود مشار الیه نباشد.

ماده ۲۰ قانون مجازات عمومی ایران چنین مقرر میدارد: « ولی بواسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آنها مدخلیت نداشته قصدش معلق یا بی اثر بماند و جنایت منظوره واقع نشود - پس اگر خود فاعل در ضمن عملیات اجرائی با اراده و میل خود دست از کار خود بکشد و باین علت جرم منظوره واقع نشود شروع بیزه مصداق خارجی پیدا نکرده و فاعل مجازات نمیشود - فلسفه این نظریه روشن و سیاست مجازاتی کشورهای متقدمه را منعکس میدارد چه آنکه قانونگذار با عدم مجازات بزهکار تائب که پی بیدی عمل خود برده و از نصف راه تبهکاری بر میگردد اصل دفاع منافع اجتماع را باعلا درجه حمایت مینماید

ولی ناگفته نماند که این اصل عدم مجازات استثنائات لااقل ظاهری داشته و ممکن است افعالی که تا آن اندازه ارتکاب شده است رأساً و مستقلاً بعنوان دیگری قابل مجازات باشد مثلاً اگر سارق بقصد سرقت وارد منزل غیر شده و چند صندوق وقفه را درهم شکسته است بعداً از کرده خود

گاهی دشمن خود را هدف قرار داده و بعلمت مشاهده پاسبان دست از آتش کردن تفنگ میکشد میتوان از نقطه نظر فنی بحث نمود: بعضیها این عمل را شروع بیزه گرفته و فسخ تصمیم را غیر عمدی میدانند ما از آنهاستیکه این مورد را جزو موارد فسخ عمدی محسوب داشته اند پیروی مینمائیم چه آنکه در بنمورد مرتکب با عمد و اراده خود دست از کار کشیده کوکه علت آن فسخ تصمیم چیز خارجی بوده است در هر صورت اراده فاعل برفسخ شخصاً و فی حد ذاته موجود بوده است. (مورد بی شباهت به استدلال راجع بمسئله عقد مکره نمی باشد) در هر صورت صفت ممیزه توقف ارادی فاعل آتی بودن و بلا مقدمه بودن آن (Spontaneite) می باشد و باید در تشخیص آن دقت کلامه بعمل آید.

حال که رشته کلام بدینجا پیوست بیمورد نیست که فرق بین فسخ تصمیم ارادی و ترمیم آثار بزه را (La repartiu de prejudice) بطور اختصار بیان نمائیم.

فسخ ارادی تصمیم که فاعل آنرا ایمن از مجازات میدارد قبل از تحقق جرم بوده و ترمیم آثار جرم بعد از اجراء و تمام شدن آن صادق است - مثلاً کسیکه برای کشتن دشمن خود او را دررود ختنه می اندازد منظور سوء خود را عملی نموده و تمام لوازم جنایت را فراهم آورده و آنرا کاملاً اجرا نموده است حالاً اگر بعداً پشیمان شده و خود را درآب انداخته و طرف را قبل از غرق بیرون گشد این عمل ترمیم آثار جرم و یا پشیمانی بعد (repantir actif) محسوب است در بنصورت ارتکاب جرم تمام بوده و آنچه که مادناً و اخلاقاً برای مجازات لازم بوده جمع است و با آنکه اقدام بعدی برانجات طرف در تخفیف مجازات مؤثر است فاعل بعنوان قتل عمد قابل تعقیب میباشد (مورد قابل بحث است) و همچنین سارقی که بعد از سرقت اشیاء مبروقه را به صاحب آن مسترد داشته و از او کسب رضایت بنماید از نقطه نظر جزائی قابل مجازات بوده و این اقدام بعدی او منخففی بیش

ایمان و بدون سرقت از دریکه آمده بیرون شود اگر چه بعنوان نوع سرقت قابل تعقیب نمی باشد ولی ممکن است بعنوان تعریب اموال غیر و یا هتک حرمت منازل « قبل مجازات باشد.

در هر حال برای اینکه فسخ تصمیم مؤثر در عدم مجازات باشد باید ارادی بوده و مربوط بموانع خارجی نباشد مثلاً کسیکه در حال شلیک است کسی دست او را از عقب گرفته و لوله تفنگ را منحرف نماید در بنصورت شروع بیزه حتمی عدم تحقق بزه مربوط بفاعل و اراده فاعل آن نمی باشد عکس در هر موردی که فسخ تصمیم ارادی صادق است تشخیص نوع علت داخلی (MOBILE) این فسخ تصمیم مؤثر در امر نمی باشد بدین معنی که فسخ تصمیم ناشی از علت داخلی که فی حد ذاته مستحسن نمی باشد فسخ تصمیم بوده و منظور غائی فاعل در نظر گرفته نمیشود

در این زمینه بیمورد نیست حکایتی را که فاروق الوالد (Garofalo) در کتاب (Criminologia) خود درباب طرفداری از مجازات اعدام نقل کرده است یاد آور شویم: « در ایتالیا قبل از قانون جزای ۱۸۸۹ که مجازات اعدام را حذف نموده است دادگاه های کشور مخصوصاً در سیسیل خیلی بندرت حکم اعدام صادر مینمودند این رویه تا مدتی مراعات وبعد از چند سال دو باره رویه شدت و سختی از سر گرفته و دادگاه ها در حکم اعدام دریغی نداشتند - در این اران جوان خوش اندامی که مدتها در بی انتقام از دشمن جانی خود بود در سرگذر وی کمین کرده و در سر هوای تیر باران کردن او را داشته ولی قبل از انجام مقصود و موقعیکه می رفت آتش کند یادآور میشود که اخیراً دادگاه ها قاتلین عمدی را مثل سابق محکوم بزندان نکرده بلکه حکم اعدام در باره آنها صادر مینمایند این بود که با کمال متانت از جابر خواسته و از راهیکه آمده بود بر میگردد. این فسخ تصمیم عمدی بوده و با آنکه جهت و علت واقعی آن چندان قابل تمجید و اخلاقاً مستحسن نبوده عدم مجازات فاعلش را تضمین نموده

۳ - عدم ترتب آثار مضر خارجی بر آن فعل

برای تحقق شروع بزه علاوه از سوء نیت و اقدامات اجرائی و عدم فسخ تصمیم ارادی از طرف مجرم لازم است که آن اعمال در خارج مترتب آثار مضر نباشد یعنی از وقوع آن ضرری مادناً بر کسی وارد نشود راست است که ضرر کلی بر منافع جامعه وارد شده است ولی این ضرر بیشتر اخلاقی بوده و منظور ضرر مادی انفرادی می باشد چه آنکه اگر فاعل تا آخر اقدامات خود رفته و مقصودش کاملاً عملی گردد شروع بزه مصداق خارجی پیدا نکرده و بزه تمام خواهد بود.

این بود خلاصه آنچه که راجع به شروع بزه و شرائط آن بنظر میرسد حال باید دید چه نتیجه از این مقاله و مقایسه حقوق میتوان گرفت ؟

۱ - نتیجه

از مجموع آنچه که تا کنون نوشتیم معلوم میشود که قانون جزای فعلی کشور ما در باب شروع بزه نظریه مادبون را پیروی و بیشتر با آثار خارجی عملیات بزهکار متوجه بوده و در باب مجازات آن قائل بر مجازات اخفی شده است (رجوع بماده ۲۰ قانون جزا شود) این رویه با بسط و توسعه روز افزونی که روانشناسی جزائی بخود گرفته و بیش از پیش روحیه و حالات اخلاقی متهم و جنایتکاران در نظر گرفته میشود تا اندازه قابل بحث بنظر میرسد - اگر در حقیقت امر دقت نمائیم می بینیم که شروع گننده بزه با وجود تمام شرایط فوق الذکر از نقطه نظر اخلاقی بهمان اندازه بزهکار تمام قابل مذمت بوده و از نقطه نظر مصالح و منافع اجتماع نیز خطرناک میباشد - درست است که متهمین بچنین اعمال در صندلی متهمین و در پیشگاه دادگاه با سر افکننده و قد خمیده خویش متعذرند که اقدامات آنان بلا اثر و بی نتیجه بوده و اثر مضر خارجی حاصل نشده است ولی اگر با ذره بین علم جزا و اخلاق اجتماعی و روان شناسی جزائی در چنین تبه کارانی بنگریم می بینیم که آنان بعد کافی خطرناک بوده و

چیزیکه مهم است این است که ترمیم آثار جرم و پشیمان شدن بعدی فاعل آن آثار مخففه داشته و رافع مسئولیت جزائی نخواهد بود ولی ممکن است که بر این اصل طای استثنائی پیدا نمود: مثلاً در بعضی موارد خود قانون گذار پشیمانی بعد و ترمیم آثار جرم را مثل فسخ تصمیم ارادی از مجازات معاف میدارد مثلاً در باب: «جنحه و جنایات مضر بمصالح عمومی» در فصل: «اجتماع و مواضعه برای ارتکاب جرائم» قسمت دوم ماده ۱۶۹ قانون جزا چنین مقرر میدارد: «اشخاصیکه مرتکب یکی از جرائم مذکوره در این ماده و ماده قبل گردیده اند (رجوع بماده شود) هرگاه قبل از هرگونه تعقیبی مقامات مقتضیه را از مواضعه و تشکیل اجتماع مطلع سازند از مجازات معاف میشوند»

و همچنین ماده ۲۷۴ قانون جزای فرانسه در باب فرار محبوسین قانونی مقرر میدارد «که اگر فرار در اثر عدم احتیاط و بی مبالائی مستحفظ زندان بوده و اگر محبوس دوباره در ظرف مدت چهار ماه دستگیر و معرفی شود مستحفظ از مجازات معاف خواهد شد» اگر قانون جزای ایران و فرانسه و چند کشور دیگر ترمیم آثار جرم و پشیمانی بعد را در یاره موارد منصوصه از مجازات معاف میدارد برعکس قانون جزای بعضی کشورهای دیگر مخصوصاً قانون جزای آلمان ۱۸۷۰ در این باب اصل عدم مجازات را بطور کلی قبول کرده است - فصل ۴۵ قانون جزای مزبور چنین مقرر میدارد «هر بزهکاریکه قبل از کشف و تعقیب جرم با یاره اقدامات خارجی آثار سوء عملیات خود را از بین برده و اقدامات جنایتکارانه خود را خنثی نماید بعنوان شروع بزه مطلق قابل مجازات نمی باشد» اگر چه در این ماده صحبت از شروع بزه شده است ولی بطور مفهوم از سایر مواد و ظاهراً برای ترمیم آثار جرم بطور کلی نوشته شده است پس بموجب این اصل کلی اگر کسی بعد از ارتکاب جرم و قبل از کشف آن آثار سوء آنرا عالماً و عامداً ترمیم نماید از مجازات معاف خواهد بود.

اندیبرحمانه مجازات شوند .

(البته با در نظر گرفتن شرایط مخففه و سایر شرایط
جهت تعلیق و اسقاط مجازات) -

در هر حال حمایت از اصل عدم تساوی مجازات در

این مبحث چنانکه گذشت چندان قابل دفاع نمیباشد و اگر
روزی قانونگذار کشور ما خواهی نخواهی در تحت تأثیر افکار
مادبون واقع شده است آرزو میشود که در حقوق جزائی جدید
این نظریه نامیر خواهد شد . دکتر ابراهیم دکترزاده

دنباله شماره پیش

تعلیق مجازات

در موقع تهیه و تنظیم طرح قانون تعلیق بمفهوم و
معنای جامع و برآزنده برای آن در نظر گرفته و مؤلفین
و کسانی که طرفدار جدی آن بودند بخود میگفتند همانا
تعلیق و اعطای آن اجازه میدهد که مساعدت خاص و همراهی
و اثره در حق گناهکاران مبتدی که لیاقت نیل بآن را دارند
مبتذول گردیده و کاملاً برای تکرار کنندگان جرائم نقطه
متضادی خواهد بود چه آنکه همانطور که نسبت باشخاص
نامبرده و تکرار کنندگان گناهان رحم و شفقت مقتضی
نبوده - عدل و انصاف مطلقه هم اقتضا دارد که از تنیدی و
سختی اغماض نشود بهمان نحو مجرمی که بار اول ارتکاب
گناه است قابل اصلاح میباشد - تعلیق را وابسته مجازات
اوقرار دهند .

بالاخره بنظر میآید که بوسیله تعلیق سیاست
ماهرانه جزائی اعمال گردیده و خلاصه آنکه بمحکوم نفع
بالانری اخلاقاً ارزانی شده و باو میفهماند که چنانچه رفتار
خوبی داشته باشد گناه او پامال شده و از دفتر چه زندگی
او شسته خواهد شد و در صورتیکه عمل ناشایست دیگری از
او سر زد ناچار هم مجازات سابقه را خواهد داشت و هم مجازات
گناه بعدرا .

با وصف این به تعلیق که رفرم جدیدی
در مجازات است ایراداتی نموده اند که ذیلاً تشریح
می کنیم :-

۱ - آنکه با اجراء تعلیق عدالت مطلق حکم -

فرما نشده و قوانین يك نواخت در معرض عمل
گذاشته نمیشوند .

چه آنکه دو گناه که از يك سنخ از دونفر سر زدند و
رفتار مختلف درباره آنان معمول میشود : این تفاوت برای چیست؟
فقط برای اینکه یک نفر در اولین بار ارتکاب گناه
است و گناه دیگری این است که مرتکب گناه دیگر هم
شده بوده است !

مسلم است که اجراء تعلیق مثل نفی بلد که فوائد
دیگری را برای تکرار کنندگان جرائم دارد نتیجه يك
سیاست مفید جزائی است که فوائد معنوی بیشماری همانطور
که در فوق گفتیم دربردارد .

ترس از مجازات پیش از خود مجازات برای کسانی که
همه وقت با عفت و پاکدامنی زیست کرده اند مؤثر بوده و
نتایج اخلاقی آن برای جامعه بیش و بیشتر است و از طرف
دیگر نباید زیاده روی و غلو در اجراء تعلیق روا داشت
چه آنکه در همه موارد خوش آیند نبوده و وقوع هیمنه تعقیب و
اجراء مجازات را از بین برده و گناهکاران را در بیشگاه عدالت جری
و گستاخ میگرداند .

۲ - اصل تعلیق و طبیعت و نفوذ آن در عامه مردم
این فکر را ایجاد میکند که جرم اولی همیشه بلا تعقیب و
پامال خواهد شد اولین گناه آشکاری که از مجرم سر زد
و در دست مأمورین کشف جرائم افتاده است در مقام دادرسی
بخشودگی دارد .

و اتفاقاً زیاده روی هائی هم از طرف قضاة معمول
می شد این امر را برای افراد ناسلم کرد که يك بار ارتکاب
گناه در نظر قانون و در مقابل دادرسان عیبی نخواهد داشت